



خانه خیال، کارنوشین غیاثی

• کارهای برنارد خوری، داور جایزه معمار ۸۵ • مهمانسرای نالین، کار کیوان خسروانی، مجموعه تفریحی توریستی باری در ارومیه، مهمانسرای آتشونی در گرمه، مجتمع مهتاب قم • مدرنیتة ناتمام، آیا پسا مدرن می تواند علاج زوال هویت باشد • محیطهای تاریخی طبیعی، روستای زئوغان و روستای عشین • معبد بزرگ آنهینا



BERNARD KHOURY

JURY MEMBER OF THE ME'MAR AWARD 2006

Translated by Abbas Mokhber

کارهای برنارد خوری

داور جایزه معماری ۸۵

ترجمه عباس مخبر

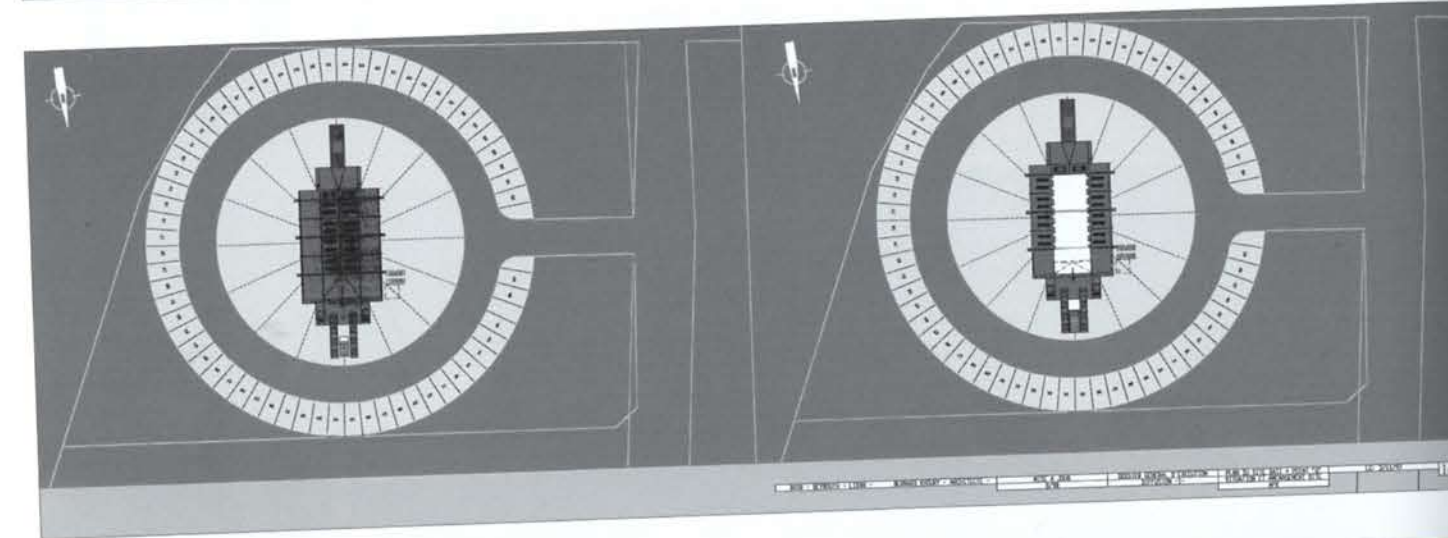
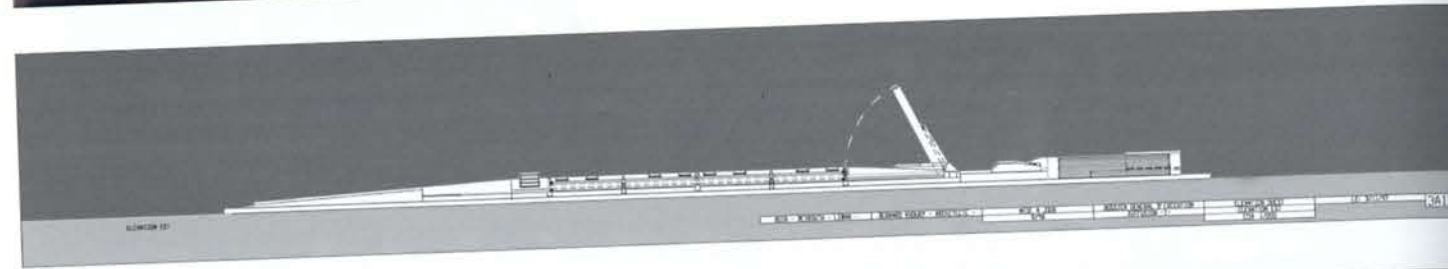
Lebanese architect Bernard Khoury will be on the jury of Me'mar's 2006 Award. Supported by construction material companies, the competition has had distinguished jurors from Iran and abroad. To name but a few: Fumihiko Maki of Japan, Mohsen Mustafavi (director of AA, London), and Hadi Tehrani (BRT GmbH, Germany). Bernard Khoury studied architecture at the Rhode Island school of Design (B.F.A 1990/ B. Arch 1991). He received a Masters in Architectural studies from Harvard University (M. Arch 1993). In 2001, he was awarded by the municipality of Rome the Honorable mention of the Borromini prize given to architects under 40 years of age. In 2004, he was awarded the Architecture + Award. He has lectured and exhibited his work in prestigious academic institution in Europe and the U.S including a solo show of his work given by the International Forum for Contemporary Architecture at the Aedes gallery in Berlin (2003). His work has been extensively published by the professional press. Khoury started an independent practice in 1993. Over the past 10 years, his office has developed an international reputation and a significant diverse portfolio of projects both locally and abroad.

برنارد خوری معماری را در مدرسه طراحی رد ایلند خوانده است و درجه کارشناسی ارشد معماری را هم از دانشگاه هاروارد گرفته است (۱۹۹۳). در سال ۲۰۰۱، جایزه شهرداری رم، جایزه برومینی که به معماران زیر ۴۰ سال اهدا می شود، به او تعلق یافت. در ۲۰۰۴، برنده جایزه معماری + جایزه شد. نمایشگاه کارهای او در آکادمی های معتبر در اروپا و آمریکا ارائه شده است. کارهای خوری در مجلات حرفه ای به چاپ رسیده و او کار مستقل خود را از سال ۱۹۹۳ آغاز کرده است. بیش از ده سال است که دفتر او شهرت بین المللی یافته و مجموعه متنوعی از پروژه های مهم محلی و خارجی را انجام داده است.



B 018





BO18 یک کلوب موسیقی و مکانی برای زندگی شبانه است.

در اولین ماه‌های سال ۱۹۹۸، BO18 به «قرنتاین» منتقل شد؛ محوطه‌ای که اشتها خود را بیشتر مدیون فضای مرگباری است که در آن قرار دارد. قرنتاین در نزدیکی بندر بیروت است و در دوران تحت‌الحمایگی فرانسه، مکانی برای قرنطینه دریانوردانی بود که وارد این کشور می‌شدند. در جنگ اخیر به ماوای فلسطینیان، کردها و پناهندگان جنوب لبنان تبدیل شد (۲۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۵). در ژانویه سال ۱۹۷۶، شبه‌نظامیان محلی دست به حمله‌ای زدند که کل منطقه را دربرگرفت. زاغه‌ها همراه با دیوار مرزی چندکیلومتری که منطقه را از شهر جدا می‌کرد ویران شدند. گرچه ۲۰ سال از آن زمان گذشته است، اما زخمهای جنگ را همچنان می‌توان دید؛ زخمهایی که در نابرابری فاحش میان بافت شهری کوچک منطقه و محله‌های آکنده از جمعیت کنار بزرگراه خود را به رخ می‌کشد.

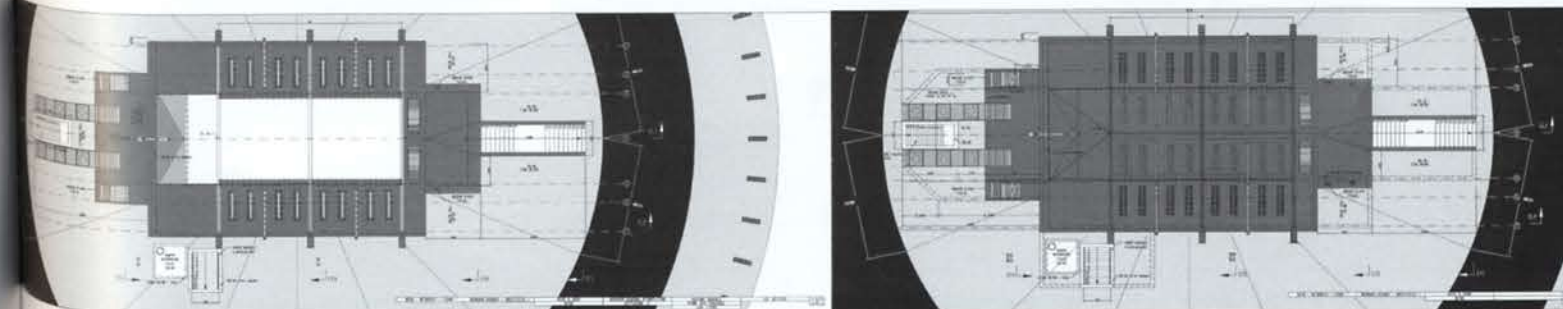
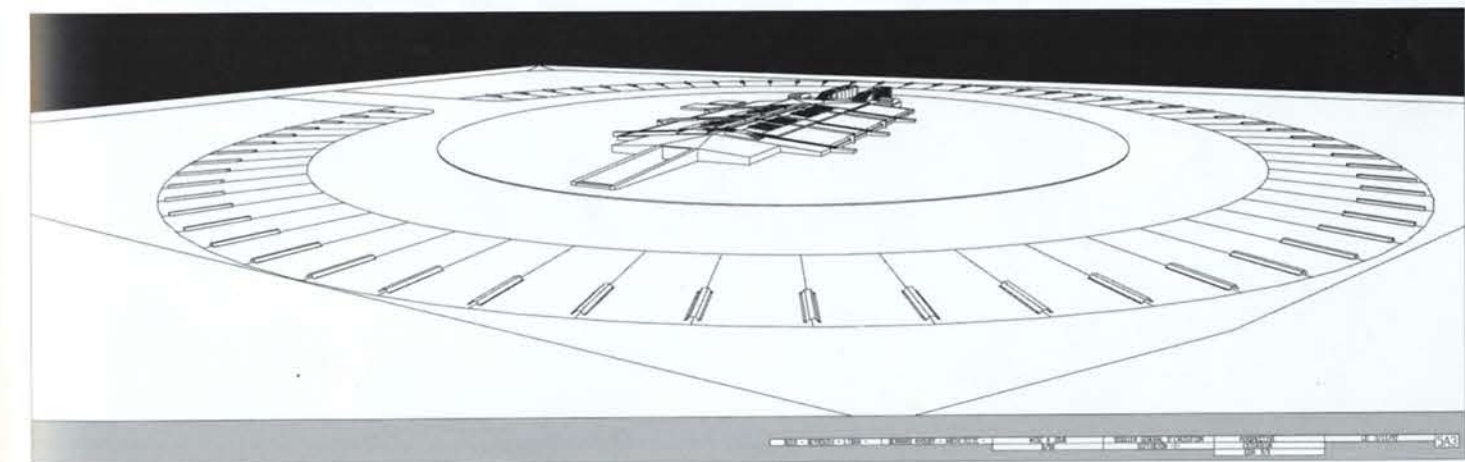
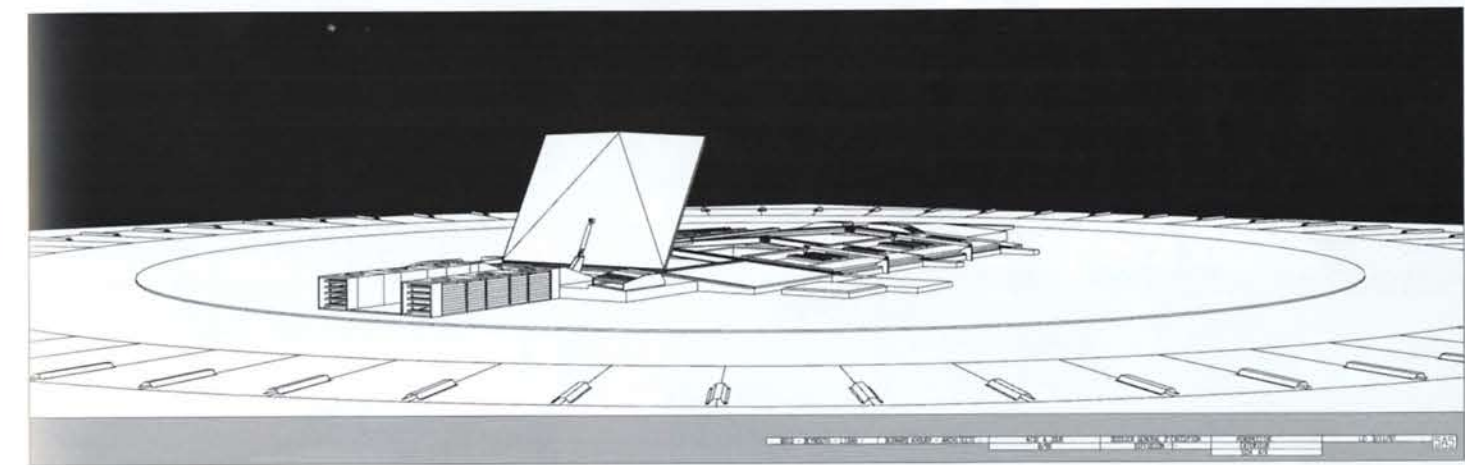
B 018 is a music club, a place of nocturnal survival.

In the early months of 1998, the B 018 moved to the "Quarantaine", on a site that was better known for its macabre aura. The "Quarantaine" is located at the proximity of the port of Beirut. During the French protectorate, it was a place of quarantine for arriving crews. In the recent war it became the abode of Palestinian, Kurdish and South Lebanese refugees (20,000 in 1975). In January 1976, local militia men launched a radical attack that completely wiped out the area. The slums were demolished along with the kilometer long bordering wall that isolated the zone from the city. Over twenty years later, the scars of war are still perceptible through the disparity between the scarce urban fabric of the area and the densely populated neighborhoods located across the highway that borders the zone.

The B 018 project is, first of all, a reaction to difficult and explosive conditions that are inherent to the history of its location and the contradictions that are implied by the implementation of an entertainment program on such a site.

B 018 refuses to participate to the naive amnesia that governs the post-war reconstruction efforts.

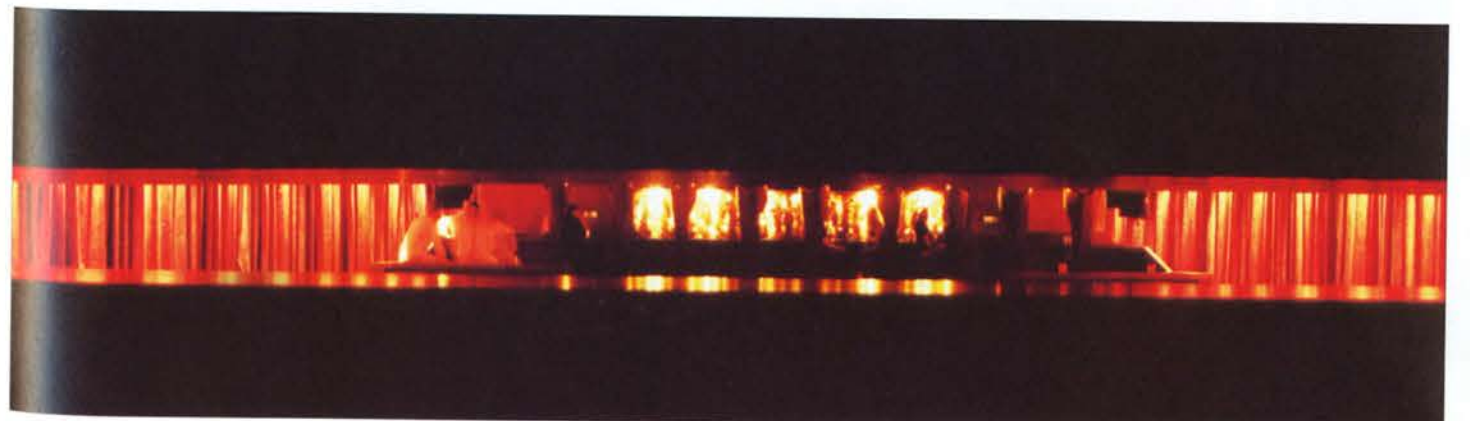
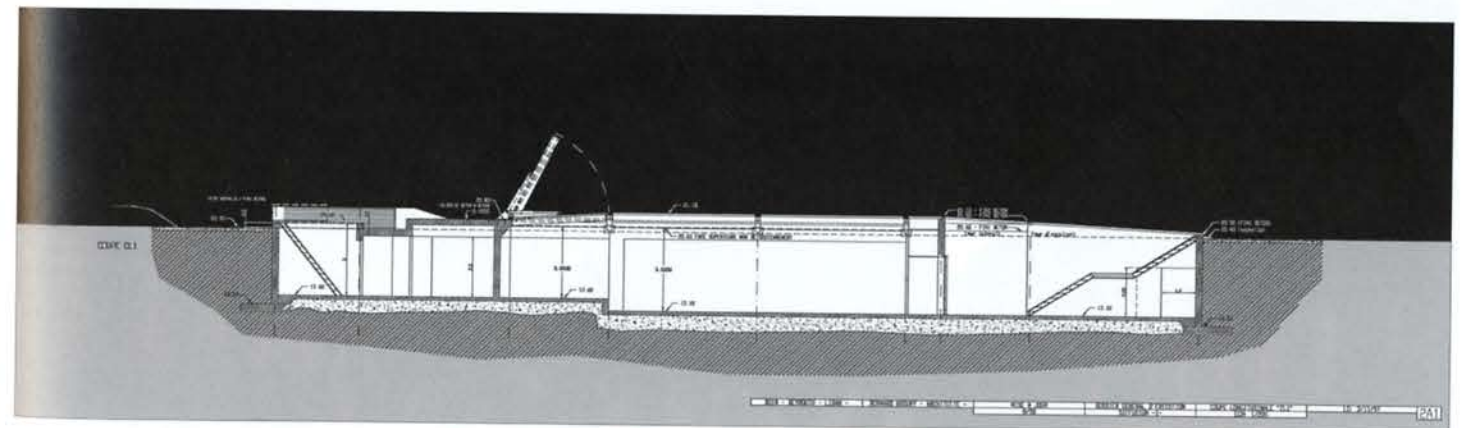
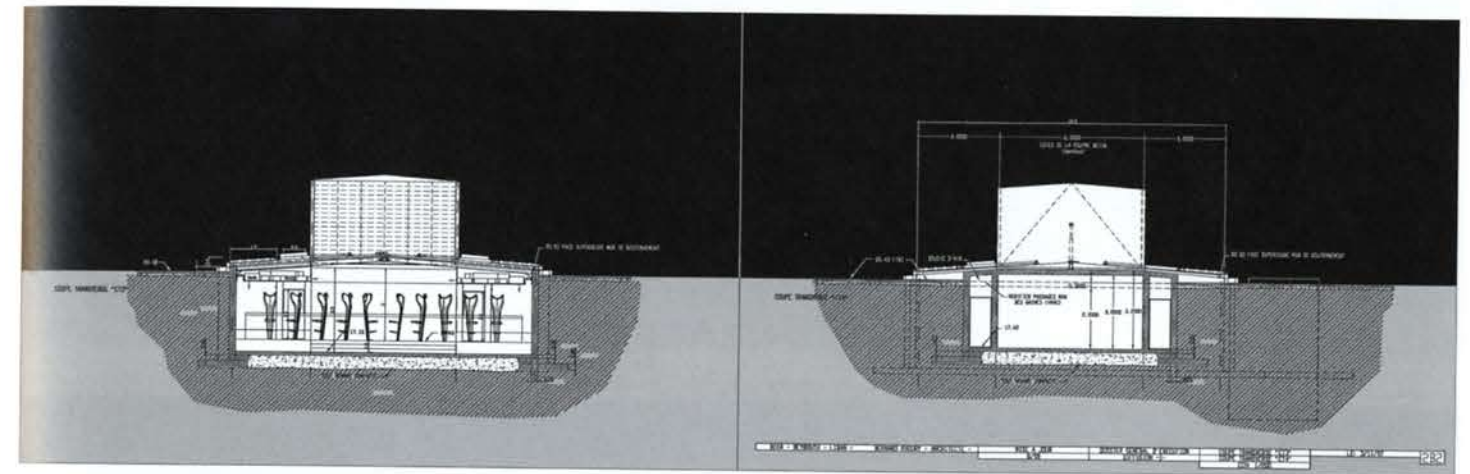
The project is built below ground. Its façade is pressed into the ground to avoid the over exposure of a mass that could act as a rhetorical monument. The building is embedded in a circular concrete disc slightly above tarmac level. At rest, it is almost invisible. It comes to life

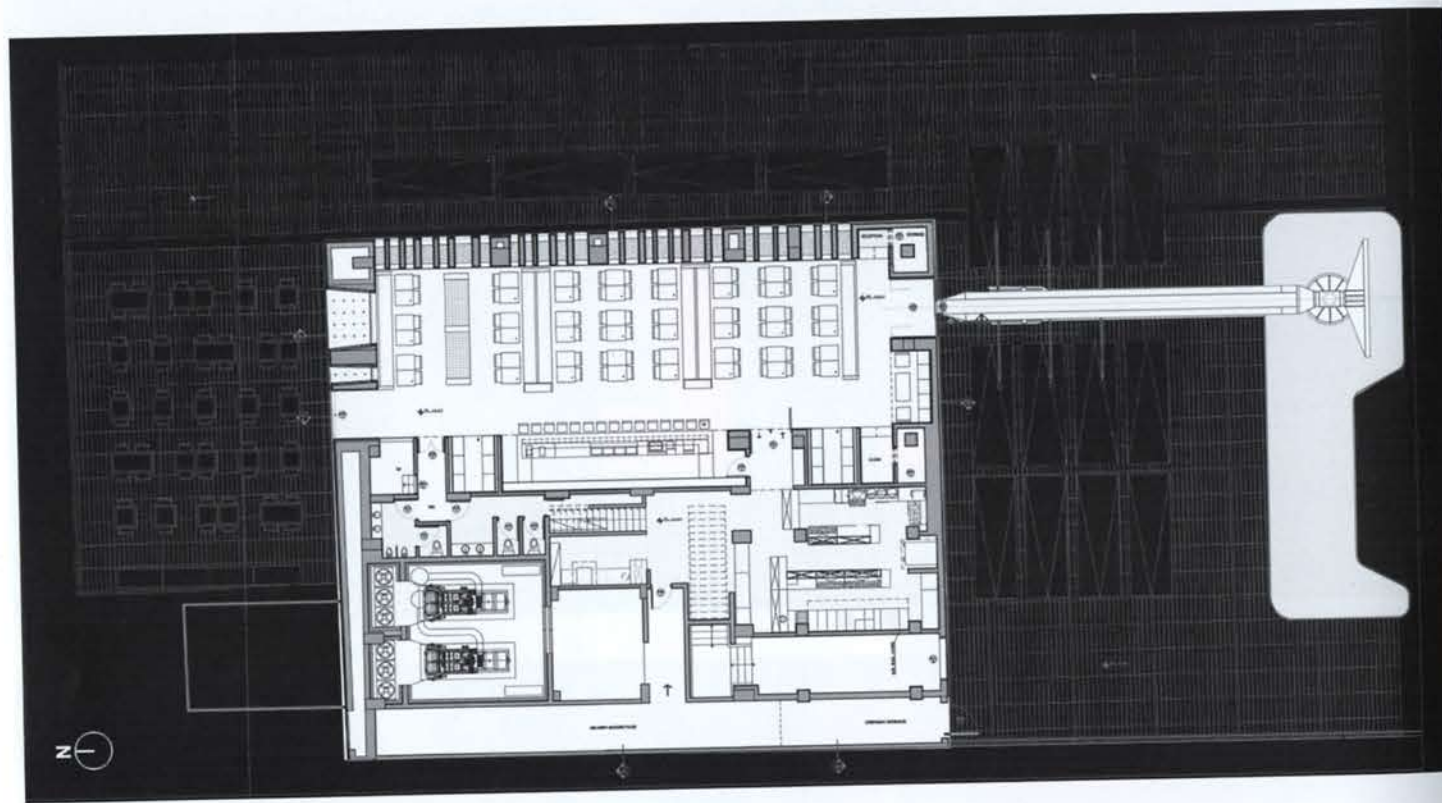
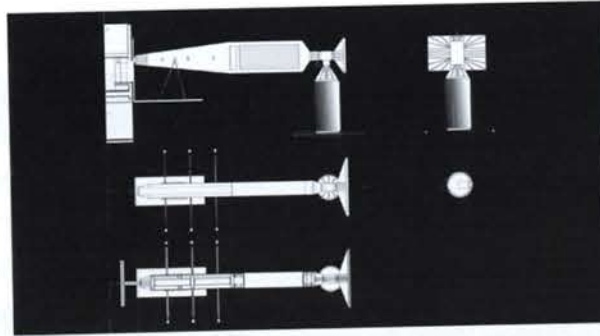




پروژه BO18 در وهله اول واکنشی به شرایط دشوار و انفجار تاریخ این منطقه و تناقضاتی است که اجرای یک برنامه تفریحی در چنین مکانی ایجاد می کند. BO18 نمی خواهد شریک فراموشکاری خامی باشد که بر تلاشهای بازسازی پس از جنگ حاکم است. این پروژه زیر زمین ساخته می شود. نمای آن در زمین فرو رفته است تا از به چشم آمدن ساختمانی که می تواند نقش نوعی یادمانی را ایفا کند اجتناب ورزد. این بنا روی یک صفحه بتنی مدور و اندکی بالاتر از سطح آسفالت قرار دارد. در حالت تعطیل تقریباً دیده نمی شود. اما در ساعتهای پایانی شب جان می گیرد؛ هنگامی که سقف مفصل دار آن که از فلز سنگین ساخته شده به صورت هیدرولیکی باز می شود دهانه سقف، کلوب را در معرض دنیای بالا قرار می دهد و تصویر شهر را همچون پس زمینه ای در مقابل دیدگان مشتریان در پایین قرار می دهد. بستن آن نوعی ناپدید شدن داوطلبانه و نشانه تعطیل بودن است. این بنا با حلقه هایی از بتن و آسفالت احاطه شده است. حرکت دورانی اتومبیلها در اطراف کلوب و پارکینگهای متحدالمرکز، به صورت نوعی چرخ و فلک، بنا را قاب می گیرند. شبها حرکت مداوم اتومبیلهای دیدار کنندگان به پارکینگ جان می بخشد و آن را به بخش جدایی ناپذیری از سناریوی کلوب تبدیل می کند. ورودی بنا در منتهی الیه جنوب ساختمان فلزی کوتاه قرار دارد و در آن یک پلکان به دو فضای پذیرش بسته منتهی می شود که نسق گیرهایی اخمو در آنها ایستاده اند. در گوشه و کنار کف بتنی تالار زیرزمینی صفت هایی تعبیه شده که مانند سطوح مرتفع رقص، پذیرای رقصندگان است.

in the late hours of the night when its articulated roof structure constructed in heavy metal retracts hydraulically. The opening of the roof exposes the club to the world above and reveals the cityscape as an urban backdrop to the patrons below. Its closing translates a voluntary disappearance, a gesture of recess. The building is encircled by concrete and tarmac rings. The automobiles' circular travel around the club and the concentric parking spots frame the building in a carousel formation. At night, the continuous motion of the visitors' cars animates the parking and becomes an integral element of the club's scenario. The entrance is located at the south end of the low-lying metal construction where a stair leads to two concessive "airlock" spaces manned by scowling bouncers. Strewn across the concrete pavement floor of the underground hall, the sofas with collapsible backs serve as elevated dancing surfaces that stage the performers.





جعبه سیاه در کنار یک سوپرمارکت بزرگ، در بزرگراه شمالی بیروت قرار گرفته است. فروشگاه لباسی که در همسایگی آن قرار دارد بنایی پنج طبقه با ابعاد ۴۰x۲۵ متر و به شکل جعبه‌ای فلزی است که رو به بزرگراه، خود را تبلیغ می‌کند. ما قصد کردیم در بافتی که تابلوها و علائم تبلیغاتی در و دیوار بناهای اطراف را پوشانده است جعبه سیاه را که در آغاز به دلیل ۲۰متر عقب‌نشینی از بزرگراه به چشم نمی‌آمد برجسته کنیم. این بنا دارای یک رستوران کوچک (آشپزخانه صنعتی)، یک بار و یک تراس با چشم‌اندازی فوق‌العاده به دریاست که همگی در طبقه همکف قرار دارند. طبقه فلزی دفاتر بالای رستوران قرار دارد. در رستوران که همسطح دریاست پنجره‌هایی بزرگ و دو صفا سرخ‌رنگ به عمق دو متر تعبیه شده است. لوگوهای بزرگ جعبه سیاه، به این نما در هر سه جهت اصلی جان می‌بخشند.

یک بازوی فلزی به طول ۲۰متر از جبهه جلو جعبه سیاه بیرون آمده تا عقب‌نشینی اجباری ساختمان را جبران کند و بزرگراه را به ساختمان نزدیک و با آن مرتبط سازد.

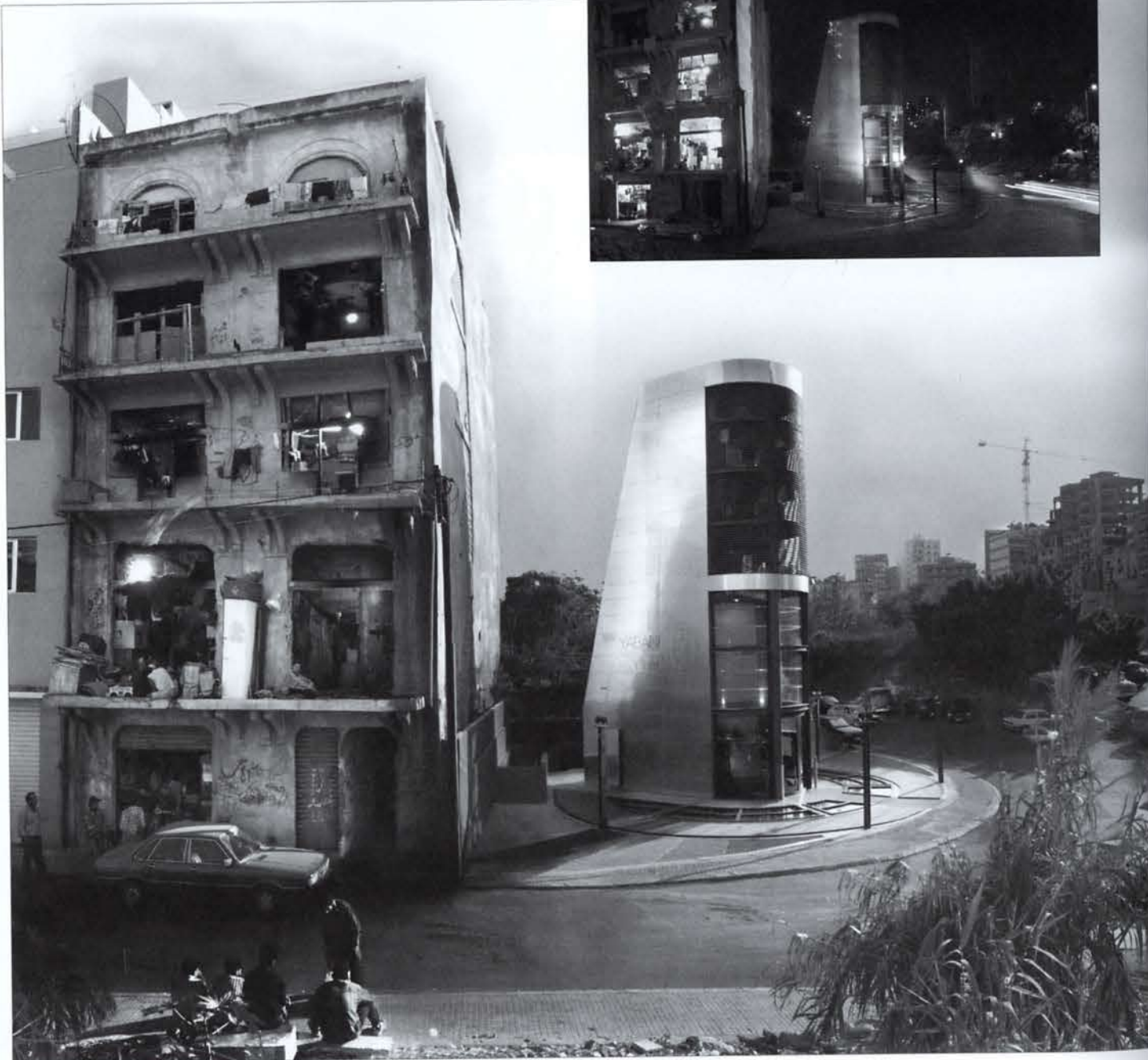
The Aizone / Black Box is situated next to a major department store on the northbound highway of Greater Beirut. The neighboring fashion retailer (Aishti / Aizone) is located in a building that acts as a self-advertising five Storeys 40x25 meters Corten steel box facing the highway. In a context, saturated with billboards and signs wrapping the surrounding buildings' exteriors, we intend to highlight presence of the Black Box which was initially invisible from the highway due to its 20m setback.

The building houses a diner, its industrial kitchen, a bar and a terrace with an exceptional sea view all located at the ground floor. A floor plate of offices is located above the diner. The body of the building is wrapped in black aluminum composite panels with vertical slit windows providing minimal openings to the offices above. More generous openings are provided on the sea front elevation at the restaurant level where two red vinyl sofas are inscribed 2 meters deep into the façade. Large Black Box logos animate the façade on all three main orientations.



پروژه یابانی (ژاپنی) شامل یک رستوران و بار ژاپنی در محوطه‌ای به مساحت ۲۸۵ مترمربع، در حاشیه جاده دمشق، در مرز پیشین بیروت شرقی و غربی است. بر دیوارهای بسیاری از بناهای مجاور آثار گلوله‌های جنگهای اخیر به وضوح دیده می‌شود. این بناها هنوز در اشغال پناهندگان قرار دارند. بنای یابانی شامل یک سازه بتنی دو طبقه در زیرزمین و یک برج فلزی ۱۴ متری بالای زمین است. این برج دارای یک اتاق پذیرش متحرک است که به صورت عمودی در یک محفظه شیشه‌ای حرکت می‌کند و از تراز خیابان به رستوران در زیرزمین می‌رود. صندلیهای مشتریان به صورت دایره‌ای در اطراف اتاق شفاف و متحرک پذیرش قرار گرفته است، و این اتاق به مرکز نقشه روح می‌بخشد. با قرار دادن سالن پذیرش در کانون دید، حرکت عمودی ورود و خروج مشتریان تماماً بیش از حد به چشم می‌آید. پنجره‌های شیشه‌ای کوتاهی که در سطح همکف نصب شده‌اند آسمان را سخاوتمندانه در معرض دید قرار می‌دهند. به این ترتیب مشتریان می‌توانند شام خود را در فضایی کاملاً دور از محیط شهری اطراف تجربه کنند.

The Yabani project was built to house a Japanese restaurant and bar on a 285 s.q.m site located at the edge of the Damascus road on the former demarcation line that separated East and West Beirut. The traces of shelling of the recent wars are highly visible on many of the adjacent buildings that are still squatted by refugees. The Yabani building incorporates a two-storey concrete structure below ground level and a fourteen-meter high steel tower above ground. The tower contains a mobile reception room that travels vertically within a circular glass perimeter from the street level to the restaurant level below ground. The guests' seating is laid out in a circular configuration around the mobile transparent reception that animates the center of the plan. The vertical circulation of the guests' arrival and departure is intentionally over-exposed as the reception lounge becomes the focal point around which the seating plan is generated. The restaurant interior is exposed to the sky through generous "walk-on" glass windows located at ground level. The patrons can



در داخل این سازه «بازویی» یک تصویر سه‌بعدی بزرگ ویتروینی را نشان می‌دهد که لباس‌فروشی همسایه تولید کرده است. در مناسبت‌های خاص، این قاب می‌تواند با استفاده از مدل‌های زنده نمایش‌هایی را به اجرا در آورد. در رأس این بازو یک پرده ۵x۳ متر LED صحنه‌های گزیده‌ای از داخل جعبه سیاه را به نمایش می‌گذارد. ویدیو کلیپ‌هایی که فروشگاه لباس تولید می‌کند در اطراف ساعت به نمایش در می‌آید. پرده و ویتروین هر دو معطوف به خودروهایی هستند که در بزرگراه حرکت می‌کنند و هدف آن نیست که در مقیاس عابران پیاده دیده شوند. رأس بازو با استفاده از یک استوانه فولادی نگه داشته می‌شود که حاوی یک باجه خودپرداز است. این مجموعه، اتکای جامعه معاصر را به آخرین مدهای روز، زیباییهای سرگرم‌کننده و تسهیلات خودپرداز پول به رسمیت می‌شناسد و برجسته می‌کند.

A steel "arm" projects 20m out of the front façade of the Black Box building in order to catch up on the imposed setback and forcefully address the highway. Within the structure of the "arm", a large three-dimensional picture frame contains a vitrine produced by the fashion retailer next door. During special events, the frame can house performances with live models. On the tip of the arm a 5x3m LED screen retransmits in real-time scenes selected from the interior of the Black Box. Video clips produced by the fashion retailer are also projected around the clock. Both the screen and the vitrine are addressing the automobile traffic at highway speed and are not intended to be perceived at the pedestrian scale.

The tip of the "arm" is supported by a steel cylinder that contains a cash distributor. The assemblage of the installation recognizes and amplifies contemporary society's reliance on the trendiest fashions, latest entertainment venues and the facility of money distributors.



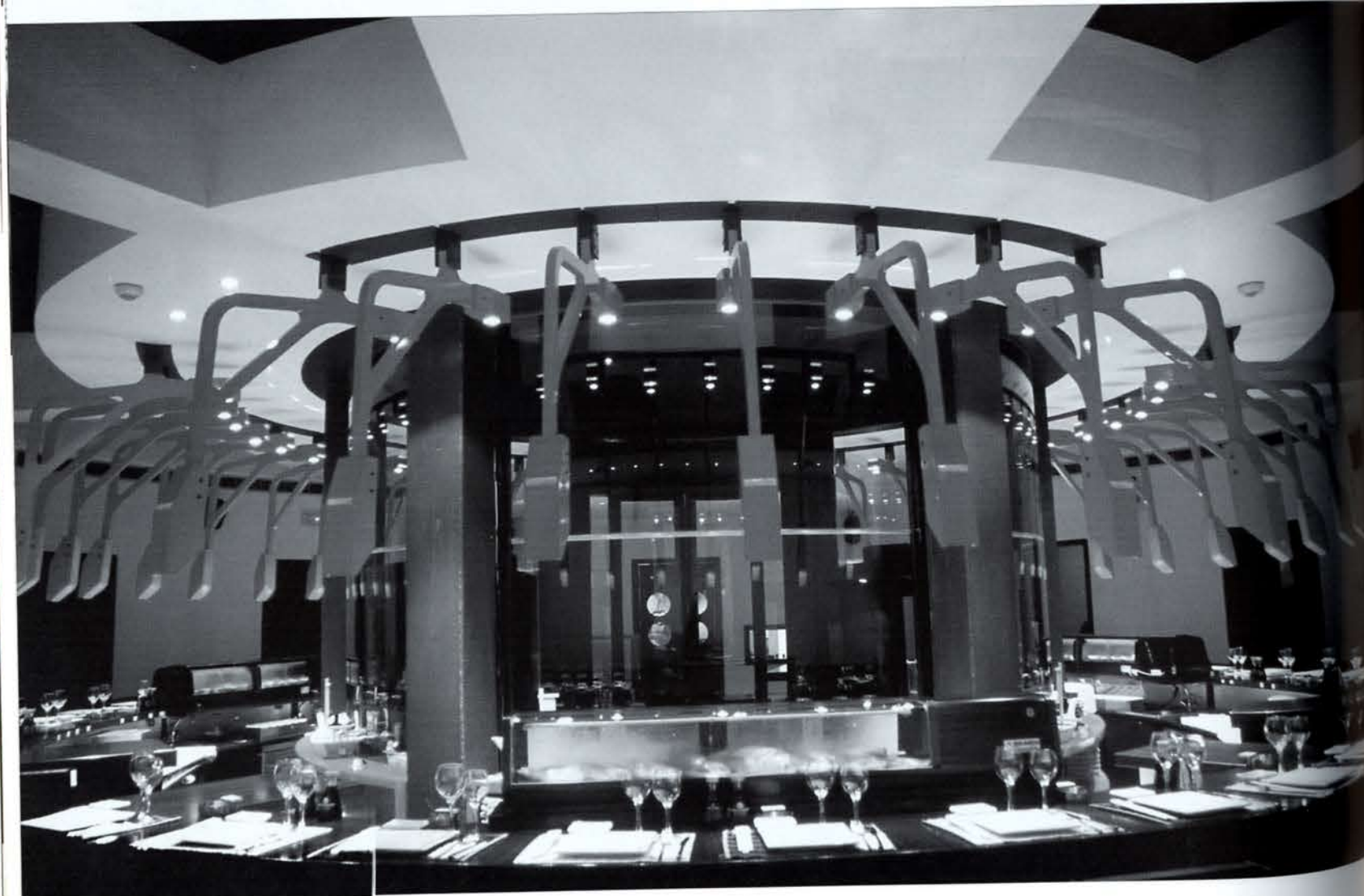
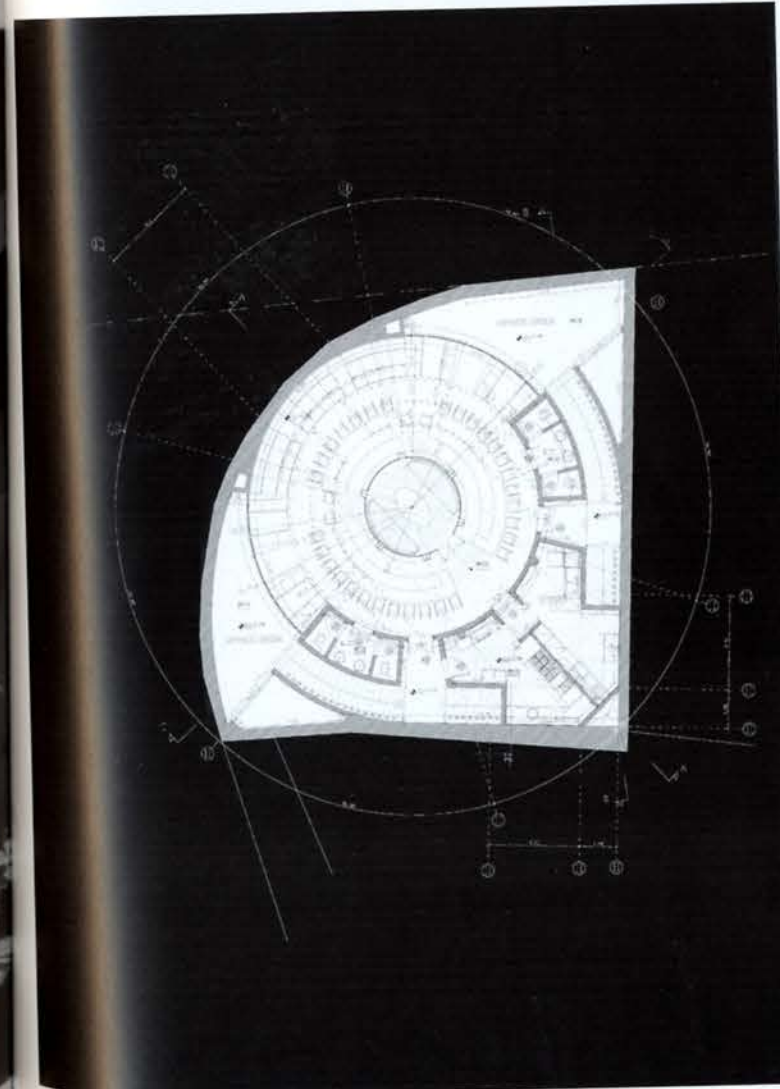
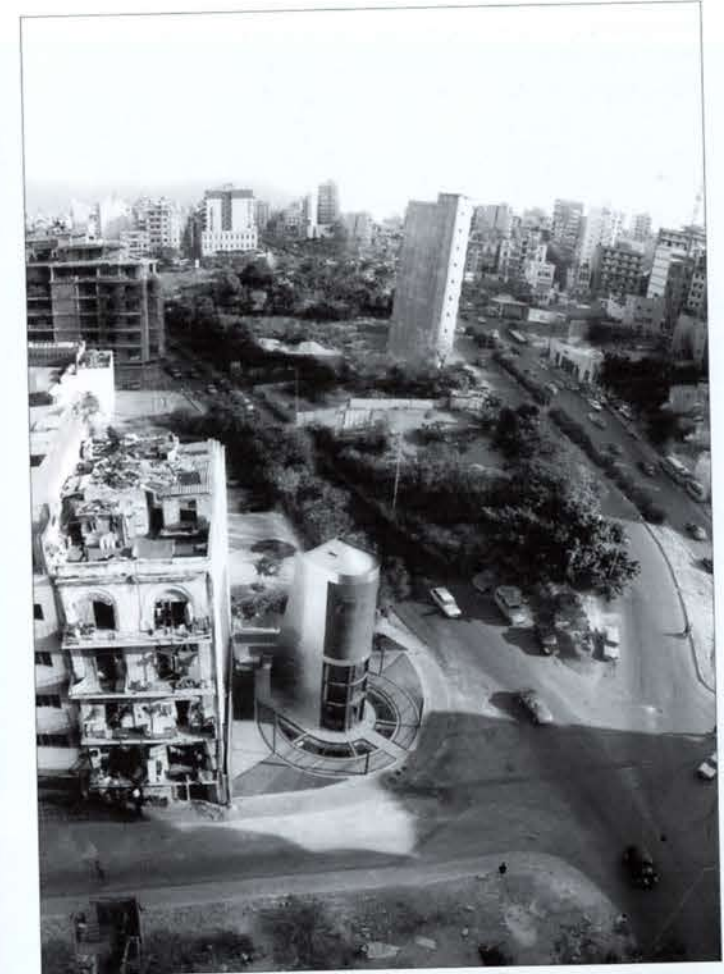
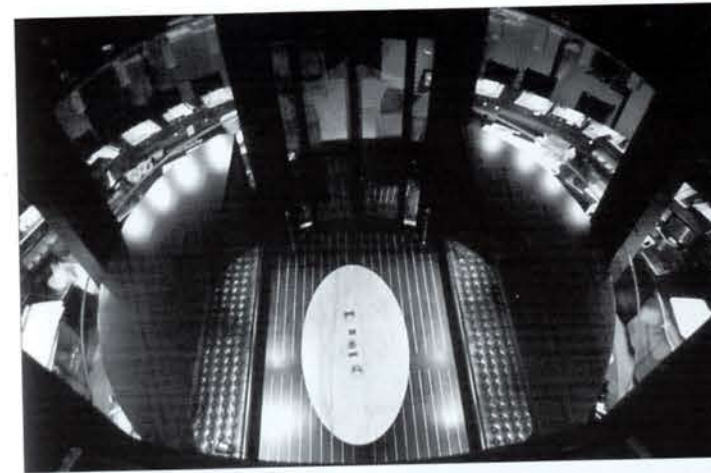


یابانی حضور عبث و رابطه ناممکن خود را با محیط شهری می پذیرد، و این نکته را با برج چشمگیر خود و مناسباتی خاص که با محیط بلاواسطه اطراف برقرار می کند نشان می دهد.

یابانی محصول سناریویی است که می کوشد بخشی از یک جامعه را توصیف کند که در انکاری شگفت انگیز به سر می برد، بقایای جنگ و چشم اندازهای ویران به پس زمینه منظره تماشایی تر جامعه ای بدل شده که به تفریح و سرگرمی روی آورده است. یابانی می خواهد بنایی یادمانی برای صنعت تفریح و سرگرمی باشد؛ بنایی که می خواهد منزلتی کسب کند که احتمالاً نمی تواند.

therefore enjoy their dining experience in total denial of their immediate urban surroundings.. On the other hand, the Yabani project assumes its absurd presence and its impossible relationship with its urban environment through the exposure of the highly visible tower and the relationships it establishes with its immediate surrounding.

Yabani is the product of a scenario that attempts to describe a fraction of a society living in marvelous denial. Leftovers of war and spectacles of desolation become a backdrop to the more impressive spectacle of a society being entertained. Yabani wants to be a monument for the entertainment industry, a building that claims a landmark status it cannot possibly assume.



پروژه سانترال در ویرانه احیاشده‌ای از یک سازه مسکونی دهه ۱۹۲۰ به اجرا در آمده که به لحاظ تاریخی تحت حمایت قرار دارد. این بنا در ناحیه‌ای احداث شده که به دلیل نزدیکی به خط مرزی جدا کننده شرق و غرب بیروت در جریان جنگ داخلی متروک شده بود. برای ایجاد فضای لازم برای احداث رستوران در بقایای خانه موجود، دیوارهای تفکیک کننده داخلی بنا و کف طبقه اول باید تخریب می‌شد. در جریان خالی کردن داخل بنا موجود، باید با استفاده از تیر آهنهای افقی، فضای بیرون خانه حفظ می‌شد و از تخریب در امان می‌ماند.

طرح بازسازی ما این فرایند موقت را در شکل بندی نهایی بنا به کار می‌گیرد. تیر آهنهایی که در فرایند تقویت موقت بنا به کار گرفته شده‌اند حفظ می‌شوند. آنها اکنون قرائت تازمائی از نمای بازسازی نشده به دست می‌دهند. به علاوه ما به خلاف موارد بازسازی سنتی، نمای آسیب دیده را دوباره گچ کاری نمی‌کنیم. به جای این کار، آن را با شبکه‌های فلزی می‌پوشانیم که گچ کاری نمای قدیم در پشت آن در وضعیت آسیب خورده دیده می‌شود. این شبکه فلزی بعد شاعرانه تباشدگی را برجسته می‌کند.

در فضای دوباره شده تالار اصلی یک میز مرکزی قرار می‌گیرد. کارکنانی که خدمات ارائه می‌دهند در فضای داخلی میز محبوس می‌شوند و از طریق یک ردیف پله مستقیماً با آشپزخانه در ارتباط قرار می‌گیرند. هر بشقابی روی میز با شمع خاص خود روشن می‌شود. این جنبه رسمی صحنه - که به یک میز کنفرانس در یک مجمع عمومی شباهت دارد - با استفاده از صندلیهایی با پشتیهای بلند تقویت می‌شود و تصویری از سری بودن مجمع را القا می‌کند.

The Centrale project is housed in a recuperated ruin of a 1920's residential structure that is placed under historical protection. It is located in an area that was deserted during the civil war due to its proximity to the demarcation line that separated east and west Beirut.

For the purpose of implementing the required space for the restaurant within the remains of the existing house, the internal partitioning walls of the building and the slab of the first floor level had to be demolished. In the process of voiding out the interior of the existing structure, the outer envelope of the house had to be reinforced by placing horizontal beams that embrace the skin from the outer perimeter of the façade.

Our rehabilitation scheme implements this temporary process in the final configuration of the edifice. The steel beams used in the temporary reinforcement process are preserved. They now imply a new reading of the non-restored façade. Furthermore, we chose not to re-plaster the damaged facade, as it would have been the case in a traditional rehabilitation, instead, it is covered with a metallic mesh behind which the plaster finishing of the old façade remains in a state of decomposition. The mesh now enhances the poetic dimension of decay.

In the double volume of the main hall lies one central table. The service personnel remains trapped inside the table and communicate directly through a flight of stairs with the kitchen underground. Every dish on the table is lit with its own pilot lamp. Such a formal aspect - similar to a conference table for a general assembly - is further enhanced by the proportions of the high back chairs that line the table to insure the secrecy of the assembly.

